

تحلیل موانع کار آفرینی در دانشکده‌های کشاورزی ایران (از دیدگاه دانشجویان)

سید مصطفی رضوی^۱، نگین فلاح حقیقی^۲، احمد رضوانفر^۳، خلیل کلانتری^۴

چکیده: هدف این پژوهش تحلیل موانع کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی ایران بود. جامعه آماری شامل تعداد ۶۱۴۱۸ دانشجو بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب، ۴۰۳ نفر از آنان از دانشکده‌های کشاورزی ایران انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بود و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن بود که تنها ۶ درصد از دانشجویان در کار مرتبط با رشته تحصیلی مشغول به کار بودند. بر اساس نتایج تحلیل عاملی ۵ عامل زیربنایی به‌عنوان مهم‌ترین موانع کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی ایران شناسایی شدند که عبارت بودند از: "موانع آموزشی"، "موانع فردی - شخصیتی"، "موانع حمایتی - قانونی"، "موانع تسهیلاتی" و "موانع ارتباطی" که در کل ۶۴/۸۸ درصد از واریانس کل را تبیین نمودند. در پایان بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهادهایی مطرح گردید.

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی، موانع آموزشی، موانع ارتباطی، دانشکده‌های کشاورزی، دانشجویان.

۱. دانشیار دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ایران

۲. دکتری آموزش کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران، ایران

۳. استاد دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران، پردیس کرج، ایران

۴. استاد دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران، پردیس کرج، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۰۹/۲۹

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۱/۰۱/۲۷

نویسنده مسئول مقاله: نگین فلاح حقیقی

E-mail: fallahnegin@gmail.com

مقدمه

با توجه به این که امروزه تمامی نظام‌ها، به‌نوعی تغییر و تحولات سریعی را تجربه می‌کنند لازم است که هر یک ضمن تدوین چشم‌اندازهای خویش برای حرکت به سوی آینده، رسالت‌های خویش را در رابطه با سایر نظام‌ها به مثابه جریان داد و ستد نهاده / ستاده مرسوم در دیدگاه‌های نظام‌های باز لحاظ نمایند تا بتوانند با خاصیت پویایی خویش، دستیابی به اهداف نهادی را ممکن سازند. در این میان دانشگاه‌ها که همواره مدعی تربیت نیروی انسانی برای توسعه هستند، از این قاعده مستثنی نمی‌باشند. چنان‌که اکنون بر اساس دغدغه‌های دانایی‌پروری ملی، به‌نوعی تحول نهادی انقلاب‌گونه در کل اهداف و فرآیندهای دانشگاهی نیاز است تا این نهاد به‌طور شایسته‌ای وظیفه خویش را که ارتقای فرزاندگی و بالندگی ملی است و نه کانالیزه کردن صرف دانش، به انجام رساند [۲۰]. این در حالی است که شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ایران نیز به گونه‌ای شده است که لزوم توجه به حل مشکلات و تنگناها در حال و آینده را طلب می‌کند. ترکیب جمعیتی جوان کشور، ضرورت ایجاد فرصت‌های شغلی و روند مستمر کاهش نقش نفت در اقتصاد کشور، سه عامل مهمی هستند که موجب می‌شوند سیاستگذاران کلان کشور به منبع قابل اتکایی بجز نفت بیندیشند و بدون شک آن منبع، تنها کارآفرینی و مؤلفه‌های آن خواهد بود [۱۱].

کارآفرینی با کارکردها و پیامدهای مثبتی که دارد، به عنوان راه‌حلی اساسی برای رفع بسیاری از مشکلات و بحران‌های داخلی و برای باقی ماندن در عرصه رقابت‌های جهانی، از سوی بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مورد توجه قرار گرفته است. ولی در اجرای برنامه‌ها و دوره‌های آموزش کارآفرینی موانع بسیاری وجود دارد.

ضرورت کارآفرینی در دانشگاه‌ها و نقش آن در توسعه اقتصادی جوامع نیز مقوله‌ای است که توجه پژوهشگران زیادی را به خود معطوف ساخته است. از دیدگاه برخی از پژوهشگران، کارآفرینی دانشگاهی شکل خاصی از انتقال فناوری است و این پدیده زمانی رخ می‌دهد که پژوهشگران در دانشگاه‌ها و نهادهای پژوهشی، تصمیم به تجاری‌سازی فناوری تولید شده در موسسه خود می‌گیرند [۲۶]. اما این فرآیند همیشه به‌راحتی و با موفقیت صورت نمی‌گیرد [۱۶] و از آنجایی که فعالیت‌های تجاری‌سازی می‌تواند بر فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها تأثیرگذار باشند، امکان بروز تعارض و مقاومت در برابر آنها وجود دارد [۲۳]. بنابراین در بسیاری از موارد این روند از اثربخشی و کارایی لازم برخوردار نیست. در واقع می‌توان گفت که وجود برخی

از عوامل در مسیر تجاری‌سازی دانش در دانشگاه‌ها، مانع ایجاد کرده که شناسایی و رفع آنها برای ثمربخشی سرمایه‌گذاری‌ها و اقدامات انجام‌شده به منظور توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها بسیار مهم است. لذا در این تحقیق تلاش شده است تا با بهره‌گیری از نظرات و دیدگاه‌های دانشجویان دانشکده‌های کشاورزی ایران به بررسی مهم‌ترین موانع و مشکلات موجود در مسیر کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی ایران پرداخته شود.

نظام آموزش عالی کنونی، با ساختار موجود، از غرب وارد کشور شده و رابطه‌ی مناسبی بین محیط واقعی روستاها و بخش کشاورزی با آموزش عالی وجود ندارد. این موضوع یکی از موانع اصلی در نزدیک نمودن محتوا و ماهیت آموزش عالی به شرایط واقعی محیط روستا و کشاورزی را موجب شده است [۳]. ضمناً فاصله جغرافیایی ایجاد شده بین محیط آموزشی و محیط واقعی کشاورزی، خود به خود منجر به ایجاد موانع دیگری در زمینه ارتباط دانشجویان با کسب و کارهای مرتبط با کشاورزی می‌گردد. وجود چنین موانعی موجب گردید تا پژوهش حاضر برای بررسی مهم‌ترین موانع کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی ایران، با اهدافی که در ذیل به آنها اشاره می‌گردد، در اولویت کار تیم تحقیق قرار گیرد.

اهداف پژوهش

هدف کلی پژوهش، تحلیل موانع کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی ایران از دیدگاه دانشجویان بود. در راستای دستیابی به این هدف، اهداف اختصاصی ذیل مورد واکاوی قرار گرفتند:

۱. بررسی ویژگی‌های فردی دانشجویان در دانشکده‌های کشاورزی ایران
۲. شناسایی و اولویت‌بندی موانع کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی ایران
۳. تحلیل عاملی موانع کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی ایران

مبانی نظری تحقیق

منظور از تجاری‌سازی دانش در دانشگاه تبدیل ارزش بالقوه دانش و نوآوری به ارزش بالفعل و منفعت‌زا است. در حقیقت تجاری‌سازی یعنی ایده‌های خلاق و اندیشه‌های نوی اعضای هیأت‌علمی و دانشجویان در عرصه‌های مختلف علوم به راهکارها، فرآیندها، محصولات و خدمات قابل استفاده در جامعه تبدیل شود. با ابداع مدل دانشگاه کارآفرین در موسسه فناوری ماساچوست و تسری آن به دانشگاه استنفورد در اوایل و اواسط قرن بیستم [۱۸] و با ضرورت یافتن تجاری‌سازی دانش تولید شده در دانشگاه‌ها، تحقیقات متعددی در زمینه عوامل و موانع تأثیرگذار بر کارآفرینی دانشگاهی انجام گرفت. رایت و همکارانش در بررسی موانع کارآفرینی

دانشگاهی، برای توصیف فقدان منابع مالی مورد نیاز برای توسعه و انتقال تجاری فناوری، از اصطلاح شکاف مالی؛ و برای توصیف فقدان دانش و مهارت در زمینه فعالیت‌های تجاری و راه‌اندازی و اداره کسب و کار، از اصطلاح "شکاف دانش" استفاده کردند و این دو شکاف را از عوامل عمده عدم گرایش دانشگاهیان به فعالیت‌های تجاری دانستند [۲۷].

در پژوهشی که به منظور شناسایی موانع عمده فرایند انتقال فناوری از دانشگاه به محیط کسب و کار انجام گرفت، "تفاوت‌های فرهنگی بین دانشگاه و محیط کسب و کار" و "نیاز به سرمایه‌گذاری بیشتر برای توسعه فناوری"، در دو کشور آمریکا و انگلستان، به منزله عمده‌ترین موانع شناسایی شدند [۱۶] ولی در انگلستان بر "مشکلات ارتباطی" و "انتظارات متفاوت مالی" بیشتر تأکید شد [۱۶].

برخی از پژوهشگران، مدیریت غیراثربخش مالکیت فکری در دانشگاه را از موانع تجاری‌سازی دانش ذکر کردند [۲۴]. یکی دیگر از موانع عمده در کارآفرینی دانشگاهی، فرهنگ دانشگاهی است [۲۱]. فرهنگ دانشگاهی، ماهیتاً باعث می‌شود که دانشگاهیان گرایشی به تجاری‌سازی دانش و کسب درآمد از این طریق نداشته باشند [۲۵].

برخی از دانشگاهیان نیز به پارادایم رویکرد کارآفرینانه، به مثابه تهدیدی برای انسجام سنتی دانشگاه‌ها می‌نگرند و معتقدند که باید با گرایش کارآفرینی در دانشگاه‌ها مقابله نمود چرا که توسعه منافع مالی ممکن است منجر به از بین رفتن نقش دانشگاه به مثابه منتقد مستقل جامعه شود [۱۹]. به‌طور کلی کارآفرینان علاقه‌مند به خطرپذیری هستند و فقدان این ویژگی در افراد، یک مانع اولیه محسوب می‌شود [۲۲].

در پژوهشی نشان داده شد در مواردی که قوانین پیچیده‌تری برای راه‌اندازی کسب و کار وجود دارد با انحرافات و شرایط اقتصادی غیررسمی بیشتری روبرو خواهیم شد. کمبود دانش، تجربه و مهارت کافی نیز از جمله دیگر موانعی هستند که افراد با آن مواجه هستند و هنگامی خود را نشان می‌دهند که فرد به‌طور جدی وارد زمینه‌های مدیریتی، حقوقی، اطلاعاتی، مالی، فروش و بازاریابی می‌شود [۱۴] [۱۷].

نتایج پژوهش دیگری بیانگر آن بود که اگر نتوان دروس و رشته‌های تحصیلی را در مراکز آموزش کشاورزی با نیازهای ویژه محیط روستایی و بخش کشاورزی تطبیق داد، به‌طوری‌که فراگرفته‌های دانش‌آموختگان کاربرد عملی نداشته باشد و در محیط واقعی قابل پیاده شدن نباشد، تعداد کثیری از دانش‌آموختگان نمی‌توانند در توسعه کشاورزی موثر واقع شوند [۸].

در پژوهشی دیگر، برخی از ریشه‌های احتمالی مشکلات آموزش عالی کشاورزی، ارتباط محدود بین دانشگاه و دنیای خارج، بی‌توجهی آموزشگران به یادگیری مهارت‌های جدید در آموزش زمینه‌های نوین علوم و محدود شدن قابلیت‌های یادگیری به واحدهای درسی دانشگاه ذکر شد [۹]. در واقع عدم ارتباط برنامه‌های آموزشی با نیازهای بازار کار و جامعه و ناتوانی آموزشگران کشاورزی در تطبیق خود با چالش‌های جدید آموزش، دانش‌آموختگانی را تربیت می‌کند که کارایی لازم برای برعهده گرفتن مسوولیت‌های مورد نیاز در بازار کار را ندارند. در پژوهشی دیگر یکی از مهم‌ترین دلایل عدم موفقیت دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی برای پیدا کردن شغل، پایین بودن کیفیت علمی مراکز آموزش عالی کشاورزی در ایران بیان گردید [۷]. نتایج تحقیق دیگری، موانع ورود دانش‌آموختگان کشاورزی به بازار کار را به صورت زیر برمی‌شمارد: محدود بودن فرصت‌های شغلی ایجاد شده در بخش کشاورزی، عدم توانایی مالی برای فراهم آوردن مقدمات شغلی در بخش کشاورزی و عدم حمایت دولت از دانش‌آموختگان کشاورزی [۱۳].

در پژوهش دیگری مهم‌ترین موانع به صورت زیر خلاصه شده است: عدم تناسب توسعه کمی دانشگاه با ظرفیت اشتغال، عدم ارتباط دانشگاه با عرصه‌های عملی کشاورزی، عدم شناخت قبلی دانشجویان از رشته کشاورزی، عدم تطبیق برنامه آموزشی کشاورزی با نیازهای شغلی جامعه، عدم ارتباط دانشگاه با سازمان‌های اجرایی و عدم توجه به بروز نمودن مطالب آموزشی [۱۵].

نتایج پژوهش دیگری، بکارگیری روش‌های توسعه آموزش کارآفرینی در مراکز آموزش عالی کشاورزی را در افزایش مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان رشته‌های کشاورزی موثر برشمرد و در این راستا انطباق محتوای آموزشی با نیاز بازار کار و تناسب سرفصل دروس با مقوله کارآفرینی را مورد تأکید قرار داد [۴].

تحقیقی دیگر مهم‌ترین موانع دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی را برای اجرای طرح کارآفرینی به صورت زیر بیان می‌کند: ارائه دروس به صورت نظری، حفظ کردن محتوا توسط دانشجویان و عدم درک عمیق از آن؛ ناهماهنگی بین نیازهای بازار کار و مراکز آموزشی، ناآشنایی جوانان با بازار کار، عدم مشارکت بخش خصوصی در زمینه‌های پژوهشی و توسعه فعالیت‌های تولیدی [۶].

جدول (۱) خلاصه‌ای از پژوهش‌های ذکر شده را ارائه می‌دهد.

جدول ۱. خلاصه‌ای از پژوهش‌های انجام شده در رابطه با موضوع تحقیق

سال	پژوهشگر/پژوهشگران	نتایج پژوهش
2007	Wright, et al	فقدان منابع مالی برای توسعه و انتقال تجاری فناوری (شکاف مالی) و فقدان دانش و مهارت در زمینه فعالیت‌های تجاری و راه‌اندازی و اداره کسب و کار (شکاف دانش) از موانع عمده گرایش دانشگاهیان به فعالیت‌های تجاری است.
2007	Decter, et al	تفاوت‌های فرهنگی بین دانشگاه و محیط کسب و کار و نیاز به سرمایه‌گذاری بیشتر برای توسعه فناوری، مشکلات ارتباطی و انتظارات متفاوت مالی، عمده‌ترین موانع کارآفرینی هستند.
2003	Siegel, et al	مدیریت غیراثر بخش مالکیت فکری در دانشگاه از موانع تجاری‌سازی دانش است.
2002	Ndonzuan, et al	یکی از موانع عمده کارآفرینی دانشگاهی، فرهنگ دانشگاهی است.
2004	Spilling	فرهنگ دانشگاهی ماهیتاً باعث می‌شود که دانشگاه و دانشگاهیان تمایل و گرایش به تجاری‌سازی دانش و کسب درآمد از این طریق نداشته باشند.
2000	Erzkowitz, et al	برخی دانشگاهیان به پارادایم رویکرد کارآفرینانه، به مثابه تهدیدی برای انسجام سنتی دانشگاه‌ها می‌نگرند و معتقدند که باید با گرایش کارآفرینی در دانشگاه‌ها مقابله نمود چرا که توسعه منافع مالی منجر به از بین رفتن نقش دانشگاه به مثابه منتقد مستقل جامعه می‌شود.
2004	Puri and Robinson	فقدان خطرپذیری در افراد، یک مانع اولیه محسوب می‌شود.
2002	Djankov, et al	قوانین پیچیده برای راه‌اندازی کسب و کار از موانع عمده کارآفرینی است.
۱۳۸۴	ملک‌پور	کمبود دانش، تجربه و مهارت کافی از جمله موانع کارآفرینی هستند.
۱۳۷۴	زهانی‌پور	اگر نتوان دروس و رشته‌های تحصیلی را در مراکز آموزش کشاورزی با نیازهای ویژه محیط روستایی و بخش کشاورزی تطبیق داد، به‌طوری‌که فراگرفته‌های دانش‌آموختگان کاربرد عملی نداشته باشد و در محیط واقعی قابل پیاده شدن نباشد، تسهیل‌گیری از دانش‌آموختگان نمی‌تواند در توسعه کشاورزی موثر واقع شود.
۱۳۷۹	شاهولی و یوسفی‌نژاد	ارتباط محدود بین دانشگاه و دنیای خارج، بی‌توجهی آموزشگران به یادگیری مهارت‌های جدید آموزش و محدود شدن قابلیت‌های یادگیری به واحدهای درسی، عدم ارتباط برنامه‌های آموزشی با نیازهای بازار کار و ناتوانی آموزشگران کشاورزی در تطبیق خود با چالش‌های جدید آموزش، دانش‌آموختگانی را تربیت می‌کند که کارایی لازم برای برعهده گرفتن مسوولیت‌های مورد نیاز در بازار کار را ندارند.
۱۳۸۳	محمدزاده نصرآبادی	موانع ورود دانش‌آموختگان کشاورزی به بازار کار عبارتند از: محدودیت فرصت‌های شغلی کشاورزی، عدم توانایی مالی برای فراهم آوردن مقدمات شغلی در کشاورزی و عدم حمایت دولت از دانش‌آموختگان کشاورزی.
۱۳۸۴	یعقوبی و سلمان‌زاده	عدم تناسب توسعه کمی دانشگاه با ظرفیت اشتغال، عدم ارتباط دانشگاه با عرصه‌های عملی کشاورزی، عدم شناخت قبلی دانشجویان از رشته کشاورزی، عدم تطبیق برنامه آموزشی کشاورزی با نیازهای شغلی جامعه، عدم ارتباط دانشگاه با سازمان‌های اجرائی و عدم توجه به به‌روزی نمودن مطالب آموزشی از مهم‌ترین مشکلات نظام آموزش عالی کشاورزی است.
۱۳۸۴	حیدری‌زاده	مهم‌ترین مشکلات دانشگاه‌ها برای اجرای طرح کارآفرینی عبارتست از: ارائه دروس به صورت نظری، حقیقتاً کردن محتوای دروس و عدم درک عمیق آن؛ ناهماهنگی بین نیازهای بازار کار و مراکز آموزشی؛ ناشناختی جوانان با بازار کار، عدم مشارکت بخش خصوصی در زمینه‌های پژوهشی و توسعه فعالیت‌های تولیدی.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر جهت‌گیری پژوهشی، کاربردی؛ از لحاظ میزان و درجه کنترل متغیرها، میدانی؛ از نظر زمانی، مقطعی و از لحاظ نحوه جمع‌آوری اطلاعات از نوع تحقیقات توصیفی-همبستگی بود. برای گردآوری داده‌ها از روش پیمایش بهره گرفته شد. ابزار پژوهش پرسشنامه بود. جامعه آماری تحقیق، کل دانشجویان دانشکده‌های کشاورزی ایران (شامل ۶۱۴۱۸ نفر) بودند. با توجه به جدول (۲) تعداد دانشجویان در ۱۰ دانشکده کشاورزی مورد مطالعه، ۱۹۹۷۳ نفر بود که از این تعداد ۴۰۳ دانشجو مورد مطالعه قرار گرفتند. روش نمونه‌گیری، طبقه‌ای چند مرحله‌ای با انتساب متناسب بود. تعداد ۱۰ دانشکده از قطب‌های پنجگانه انتخاب گردید، به‌طوری‌که از هر قطب دو دانشگاه دارای دانشکده کشاورزی مورد مطالعه قرار گرفت. در جدول (۲) نمونه مورد مطالعه در تحقیق به تفکیک دانشکده‌ها و دانشجویان نشان داده شده است. ۱۸/۶ درصد از دانشجویان از دانشگاه تهران، ۷/۷ درصد از دانشگاه گیلان، ۱۰/۹ درصد از دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۲/۷ درصد از دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۸/۲ درصد از دانشگاه رازی کرمانشاه، ۵/۷ درصد از دانشگاه کردستان، ۷/۴ درصد از دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین، ۱۱/۹ درصد از دانشگاه لرستان، ۱۱/۹ درصد از دانشگاه شیراز و ۵ درصد از دانشگاه خلیج فارس بوشهر انتخاب شدند. به‌منظور تعیین روایی ابزار اندازه‌گیری، پرسشنامه در اختیار تعدادی از اعضای هیات‌علمی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران و دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران قرار گرفت که پس از جمع‌بندی نظرات و انجام اصلاحات لازم، نسبت به تنظیم پرسشنامه نهایی اقدام گردید. برای اندازه‌گیری قابلیت اعتماد ابزار اندازه‌گیری از ضریب آلفای کرونباخ بهره گرفته شد که مقدار آن ۰/۹۳ برآورد گردید که بیانگر مناسب بودن ابزار پژوهش در حد بسیار خوبی بود. در این پژوهش به‌منظور بررسی موانع و مشکلات کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی ایران، به بررسی و تحلیل دیدگاه دانشجویان دانشکده‌های کشاورزی ایران در قالب ۲۸ گویه پرداخته شد. در مورد هر گویه، دانشجویان میزان موافقت خود با مانع مورد نظر را در قالب طیف لیکرت ارائه نمودند. این طیف شامل موارد "کاملاً مخالفم"، "مخالفم"، "نظری ندارم"، "موافقم" و "کاملاً موافقم" بود که برای هر مورد به ترتیب نمرات ۱ تا ۵ در نظر گرفته شد و در مورد همه گویه‌ها این موارد رعایت گردید. در انجام این پژوهش با برخی محدودیت‌ها نیز مواجه بودیم. این محدودیت‌ها عبارت بودند از: الف) محدودیت اطلاعاتی و پیشینه پژوهی؛ کمبود پژوهش‌های صورت گرفته در ارتباط با موضوع تحقیق و نیز عدم تناسب متدولوژیکی پژوهش‌های صورت گرفته در سایر کشورها با پژوهش حاضر، ب) محدودیت‌های دیوانسالاری؛ ناشی از مقررات سخت و بوروکراسی اداری در سطوح مختلف دانشگاه‌ها در

دسترسی به پاسخگویان؛ ج) محدودیت ناشی از گستردگی جغرافیایی؛ پراکندگی واحدهای تحلیل آماری و د) محدودیت های انگیزشی؛ ناشی از تصور جامعه آماری در کاربردی نبودن پژوهش‌ها و عملیاتی کردن نتایج تحقیقات.

جدول ۲. نمونه تحقیق به تفکیک دانشکده و دانشجویان

تعداد دانشجویان منتخب	تعداد کل دانشجویان در هر دانشکده	دانشکده های مورد مطالعه	قطب
۷۵	۳۶۲۴	پردیس کشاورزی کرج (پنج دانشکده) و پردیس ابوریحان (دو دانشکده)	۱
۳۱	۱۶۲۰	دانشکده کشاورزی دانشگاه گیلان	
۴۴	۲۳۲۷	دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد	۲
۵۱	۲۷۰۰	دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید باهنر کرمان	
۳۳	۱۷۶۴	دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه	۳
۲۳	۱۱۸۹	دانشکده کشاورزی دانشگاه کردستان	
۴۸	۲۵۲۱	دانشکده کشاورزی دانشگاه لرستان	۴
۳۰	۱۴۴۵	دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی رامین (سه دانشکده)	
۴۸	۲۳۸۹	دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز	۵
۲۰	۳۹۴	دانشکده کشاورزی دانشگاه خلیج فارس بوشهر	
۴۰۳	۱۹۹۷۳	جمع کل	

تجزیه و تحلیل داده‌ها

بیشترین توزیع فراوانی دانشجویان مربوط به مقطع سنی ۲۵ سال بود. میانگین سنی پاسخگویان ۲۴/۰۴ سال با حداقل ۱۹، حداکثر ۳۱ و انحراف معیار ۲/۳۷۳ بود. در رابطه با وضعیت اشتغال دانشجویان، همان‌گونه که در جدول (۳) ملاحظه می‌گردد، ۸۶/۳ درصد از دانشجویان غیر شاغل

بودند، ۶/۰ درصد در کار مرتبط با رشته تحصیلی خود مشغول بودند و ۷/۷ درصد نیز در کار غیرمرتبط با رشته تحصیلی خود شاغل به کار بودند.

جدول ۳. توزیع فراوانی دانشجویان بر اساس وضعیت شغلی

درصد	فراوانی	وضعیت شغلی
۸۶/۳	۳۴۸	غیرشاغل
۶/۰	۲۴	شاغل در کار مرتبط با رشته تحصیلی
۷/۷	۳۱	شاغل در کار غیرمرتبط با رشته تحصیلی
۱۰۰/۰	۴۰۳	کل

از لحاظ منبع درآمد، تنها ۶/۵ درصد از دانشجویان درآمد خود را شخصاً تأمین می‌نمودند، ۷۴/۴ درصد توسط خانواده تأمین مالی می‌شدند و ۱۹/۱ درصد، هم خود و هم خانواده را به عنوان منبع درآمد خود ذکر نمودند. مطابق جدول (۴) ملاحظه می‌گردد که بیشترین فراوانی دانشجویان پاسخگو مربوط به دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد می‌باشد که هر یک با تعداد ۱۸۹ نفر و فراوانی ۴۶/۹ درصد، بالاترین درصد پاسخگویان را به خود اختصاص دادند. این در حالی است که دانشجویان دکتری ۲۵ نفر و به عبارتی ۶/۲ درصد از پاسخگویان را تشکیل می‌دادند.

جدول ۴. توزیع فراوانی دانشجویان بر اساس مقطع تحصیلی

درصد	فراوانی	مقطع تحصیلی
۴۶/۹	۱۸۹	کارشناسی
۴۶/۹	۱۸۹	کارشناسی ارشد
۶/۲	۲۵	دکتری
۱۰۰/۰	۴۰۳	کل

اولویت‌بندی موانع کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی ایران

در این بخش به بررسی و اولویت‌بندی دیدگاه دانشجویان در رابطه با مهم‌ترین موانع دانشکده‌های کشاورزی ایران برای کارآفرین شدن، پرداخته شد. برای اولویت‌بندی گویه‌ها، از شاخص ضریب تغییرات استفاده شد. اگر مقدار انحراف‌معیار یک متغیر را بر میانگین آن تقسیم کنیم، ضریب تغییرات^۱ که یک شاخص نسبی است، به دست می‌آید. این شاخص به طور دقیقی امکان مقایسه متغیرهای مختلف را فراهم می‌آورد. هر چه مقدار ضریب تغییرات بیشتر باشد، از پراکندگی بیشتر مقادیر یک متغیر حکایت می‌کند و هر قدر مقدار به دست آمده کوچک‌تر باشد، متمرکز بودن مقادیر متغیر را حول میانگین نشان می‌دهد [۱۲]. این شاخص برای اولویت‌بندی متغیرها و گویه‌ها بسیار مناسب‌تر و قوی‌تر از شاخص‌های دیگری چون میانگین است. در مواقعی که میانگین دو جامعه با هم برابر باشد، اما انحراف‌معیار متفاوت باشد، میانگین شاخص مناسبی برای مقایسه دو جامعه نخواهد بود، ولی با محاسبه ضریب تغییرات برای هر یک از جامعه‌ها می‌توان توزیع مقادیر دو جامعه را با یکدیگر مقایسه کرد. جامعه‌ای که دارای ضریب تغییرات بالاتری است، دارای پراکندگی بیشتر و جامعه با ضریب تغییرات پایین‌تر، دارای پراکندگی کمتری می‌باشد. مقادیر فراوانی، درصد، نما، میانگین رتبه‌ای، انحراف معیار، ضریب تغییرات و اولویت‌بندی موانع بر اساس مقادیر ضریب تغییرات در جدول (۵) ارائه شده است. گویه "دانشجویان به خاطر ترس از دست دادن سرمایه شخصی سراغ کارآفرینی نمی‌روند"، در اولویت اول موانع کارآفرینی قرار گرفت. این امر بیانگر آن است که دانشجویان متمایل نیستند تا سرمایه اندک خود را برای کاری که از آینده آن مطمئن نیستند سرمایه‌گذاری نمایند و در واقع ریسک‌پذیری لازم را برای کارآفرینی ندارند. گویه "قوانین حمایتی مناسب و کافی برای پشتیبانی از دانشجویان کارآفرین وجود ندارد"، اولویت دوم را به خود اختصاص داد. این گویه در ادامه گویه اول بیانگر آن است که گرچه دانشجویان ترس سرمایه‌گذاری در کارآفرینی و شروع یک کسب و کار تازه را دارند، ولی این امر بی‌ارتباط با عدم پشتیبانی‌های قانونی و حمایتی در دانشگاه نیست و اگر دانشگاه قوانینی را برای حمایت از دانشجویان کارآفرین وضع نماید تا ریسک حاصل از سرمایه‌گذاری آنان را کاهش دهد، احتمالاً بسیاری از دانشجویان به این سوی گرویده خواهند شد.

جدول ۵. توزیع فراوانی دانشجویان بر اساس میزان موافقت با موانع کارآفرینی در دانشکده کشاورزی ایران

اولویت	تشریح تغییرات	انحراف معیار	میانگین رتبه‌ای	نما	توزیع فراوانی سطح تجربه					گویه‌ها				
					مواقف	ندارم	نظری	مخالفم	کاملاً مخالفم	فراوانی	درصد			
۱	-/۱۹۷	-/۸۸۳	۴/۲۳	۵	۳۳/۴	۱۷۵	۱۶۲	۱۲/۴	۵۰	۳۱/۵	۱۴	۰/۵	۲	دانشجویان به خاطر ترس از دست دادن سرمایه شخصی سراغ کارآفرینی نمی‌روند
۲	-/۲۰۲	-/۸۲۰	۴/۱۱	۴	۳۶/۲	۱۶۶	۱۷۲	۱۷/۴	۷۰	۳۱/۷	۱۵	۰	۰	قوانین حمایتی مناسب و کافی برای پشتیبانی از دانشجویان کارآفرین وجود ندارد
۳	-/۲۰۳	-/۸۳۹	۴/۱۵	۴	۳۱/۵	۱۲۷	۱۸۸	۱۷/۶	۷۱	۳۱/۰	۱۶	۰/۳	۱	بیش از حد بر دروس نظری تأکید می‌گردد
۴	-/۲۰۳	-/۸۳۹	۴/۱۴	۴	۳۸/۷	۱۵۶	۱۶۶	۱۵/۶	۶۳	۳۱/۳	۱۸	۰	۰	دستیابی به منابع مالی برای سرمایه‌گذاری بسیار مشکل است
۵	-/۲۰۳	-/۸۰۴	۳/۹۵	۴	۳۶/۳	۱۰۶	۱۸۵	۲۵/۱	۱۰۱	۲۱/۲	۹	۰/۵	۲	مدیریت در تصمیم‌گیری‌ها محافظه‌کار است
۶	-/۲۰۸	-/۸۶۳	۴/۱۵	۴	۳۹/۰	۱۵۷	۱۷۳	۱۳/۹	۵۲	۳۱/۵	۱۸	۰/۷	۳	در دانشگاه مهارت‌های اولیه مورد نیاز شروع کار به دانشجویان ارائه نمی‌گردد
۷	-/۲۱۳	-/۸۶۶	۴/۱۶	۴	۳۳/۳	۱۳۰	۱۹۸	۱۰/۹	۴۴	۲۱/۴	۳۰	۰/۴	۱	برنامه‌ریزی آموزشی و درسی هماهنگ و متناسب با تغییرات جهانی نیست
۸	-/۲۲۶	-/۹۲۸	۴/۱۰	۴	۳۸/۷	۱۵۶	۱۶۲	۱۵/۴	۶۲	۳۱/۷	۱۵	۲/۰	۸	محتوای دروس توسط دانشجویان حفظ می‌شود و درک عمیقی از آن وجود ندارد
۹	-/۲۲۶	-/۸۸۳	۳/۹۰	۴	۳۵/۱	۱۰۱	۱۹۸	۱۷/۴	۷۰	۲۱/۹	۳۲	۰/۵	۲	دانشجویان از شرایط تولید محصول آگاهی ندارند و در دانشگاه هم این آگاهی را کسب نمی‌کنند
۱۰	-/۲۲۸	-/۸۸۸	۳/۹۰	۴	۳۵/۳	۱۰۲	۱۹۴	۱۹/۱	۷۷	۲۱/۶	۲۶	۱/۰	۴	برای معرفی ایده و شروع کار جدید دسترسی کافی به منابع لازم وجود ندارد
۱۱	-/۲۳۰	-/۹۱۴	۳/۹۷	۴	۳۷/۰	۱۰۹	۱۷۶	۲۲/۳	۹۰	۲۱/۳	۲۶	۰/۵	۲	هنگام‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی در دانشگاه از کارآفرینی حمایت نمی‌کند
۱۲	-/۲۳۳	-/۹۱۷	۳/۹۵	۴	۳۹/۳	۱۱۸	۱۹۴	۱۴/۱	۵۷	۲۱/۲	۲۹	۱/۲	۵	دانشجویان از ماهیت رشته‌های کشاورزی و شرایط کاری آینده آگاهی ندارند
۱۳	-/۲۳۳	-/۹۱۷	۳/۹۵	۴	۳۹/۵	۱۱۹	۱۸۱	۱۷/۱	۶۹	۲۱/۷	۳۱	۰/۷	۳	دانشجویان قلاً کار کشاورزی انجام نداده و با محیط روستایی آشنایی ندارند
۱۴	-/۲۳۳	-/۹۳۷	۴/۰۱	۴	۳۴/۵	۱۳۹	۱۶۵	۱۷/۱	۶۹	۲۱/۲	۲۵	۱/۲	۵	قوانین و مقررات دست و پا گیر افراد را از بی‌گیری ایده‌های خلاقانه‌شان منصرف می‌کند
۱۵	-/۲۳۳	-/۹۱۱	۳/۸۹	۴	۳۶/۱	۱۰۵	۱۸۳	۱۶/۶	۸۷	۲۱/۶	۲۱	۱/۷	۷	حمایت مالی کافی برای شرکت‌های جدید و در حال رشد وجود ندارد
۱۶	-/۲۳۳	-/۹۷۳	۳/۸۶	۴	۳۶/۸	۱۰۸	۱۸۴	۱۶/۴	۶۶	۲۱/۳	۳۸	۱/۷	۷	امکانات کافی برای ارائه مقررات عملی و کاربردی به دانشجویان وجود ندارد
۱۷	-/۲۵۴	-/۹۷۰	۳/۸۲	۴	۳۹/۳	۱۱۸	۱۹۹	۳۱/۰	۱۲۵	۲۱/۴	۲۶	۱/۲	۵	دانشگاه با سازمان‌های اجرایی ذیربط ارتباطی ندارد
۱۸	-/۲۵۸	-/۱۰۰۷	۳/۹۰	۴	۳۳/۵	۱۲۵	۱۴۱	۲۰/۳	۸۲	۲۱/۴	۳۲	۰/۷	۳	دانشگاه برای فراهم نمودن تسهیلات خوداشتغالی از سوی دولت حمایت نمی‌شود
۱۹	-/۲۵۹	-/۹۹۹	۳/۸۵	۴	۳۶/۸	۱۰۸	۱۸۲	۱۷/۴	۷۰	۲۱/۷	۳۱	۳/۰	۱۲	دانشگاه برای فراهم نمودن مقدمات خوداشتغالی دانشجویان با محدودیت منابع مالی مواجه است
۲۰	-/۲۶۳	-/۹۹۹	۳/۸۰	۴	۳۳/۸	۹۶	۱۹۳	۱۶/۱	۶۵	۲۱/۰	۳۷	۳/۰	۱۲	دانشجویان به خاطر نداشتن مهارت و تجربه مناسب و کافی سراغ کارآفرینی نمی‌روند
۲۱	-/۲۶۴	-/۹۶۶	۳/۶۶	۴	۳۷/۴	۱۹۱	۱۹۱	۱۳/۳	۸۶	۲۱/۲	۴۹	۳/۰	۸	از روش‌های مشارکتی، تیمی و گروهی در تدریس استفاده کمی می‌شود
۲۲	-/۲۶۶	-/۹۶۶	۳/۷۵	۴	۳۱/۸	۸۵	۲۰۱	۱۳/۴	۵۴	۲۱/۴	۵۶	۱/۷	۷	مواد آموزشی و محتوای درسی به‌روز نمی‌شود
۲۳	-/۲۶۸	-/۹۹۳	۳/۷۰	۴	۳۱/۳	۸۶	۱۸۱	۱۶/۴	۶۶	۲۱/۴	۷۰	۰	۰	مطالب آموزشی از بنیاد سیستماتیک و هدفمند با هم ندارند
۲۴	-/۲۶۹	-/۹۹۳	۳/۸۰	۴	۲۸/۳	۱۱۴	۱۵۰	۲۲/۳	۹۰	۲۱/۴	۳۲	۱/۷	۷	دانشجویان به خاطر ترس از موانع اناری سراغ کارآفرینی نمی‌روند
۲۵	-/۲۷۶	-/۱۰۰۱	۳/۶۲	۴	۱۹/۴	۷۸	۱۶۴	۲۴/۶	۹۹	۲۱/۶	۵۵	۱/۷	۷	برنامه‌ریزی آموزشی و درسی متناسب با بخش کشاورزی نیست
۲۶	-/۲۸۳	-/۱۰۴۴	۳/۶۹	۴	۳۳/۱	۸۹	۱۷۵	۱۹/۴	۷۸	۲۱/۶	۴۸	۳/۲	۱۳	در تدریس محتوای آموزشی از روش‌های سنتی استفاده می‌شود
۲۷	-/۲۸۵	-/۱۰۴۳	۳/۶۶	۴	۳۱/۳	۸۶	۱۷۱	۱۸/۶	۷۵	۲۱/۶	۶۳	۳/۰	۸	دانشجویان مشارکت جهانی در کلاس درس ندارند
۲۸	-/۲۸۵	-/۱۱۲۴	۳/۷۵	۴	۳۱/۴	۸۳	۱۶۷	۱۶/۶	۶۷	۲۲/۳	۹۸	۶/۹	۲۸	مواد آموزشی و محتوای درسی هیچ ربطی با نیازهای جامعه و بازار کار ندارد

این یافته منطبق بر یافته‌های پژوهش حسینی و دیگران ۱۳۸۹ می‌باشد که در پژوهش خود، فقدان یا کمبود حمایت‌های دولتی از مشاغل کشاورزی را به عنوان مهم‌ترین مانع ورود به عرصه کارآفرینی و اشتغال در بخش کشاورزی عنوان نمود. گویه "بیش از حد بر دروس نظری تأکید می‌گردد"، در اولویت سوم قرار گرفت و دانشجویان یکی از مهم‌ترین معضلات دانشکده‌های کشاورزی برای کارآفرین شدن را تأکید زیاد بر دروس نظری بیان نمودند، این در حالی است که طبیعت دروس کشاورزی به گونه‌ای است که کاملاً می‌بایست در صحنه عمل و در بطن جامعه کشاورزی آموزش داده شود تا دانشجویان درک عمیق و دقیقی از مفاهیم داشته باشند و در مواقع لزوم بتوانند به‌طور عملی حل مسأله نمایند. اولویت‌های بعدی در ادامه جدول (۵) ارائه شده است. یافته‌های این بخش منطبق بر یافته‌های عزیز (۱۳۸۳)، جعفرزاده (۱۳۸۳) و اسکندری (۱۳۸۴) است.

تحلیل موانع و مشکلات کار آفرینی در دانشکده‌های کشاورزی ایران

در این بخش، در ادامه تحلیل‌های قبلی، به منظور تلخیص متغیرها از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی با کمک نرم‌افزار SPSS استفاده شد. تحلیل عاملی از جمله روش‌های چندمتغیره است که برای پی بردن به متغیرهای زیربنایی یک پدیده یا خلاصه کردن تعداد زیادی از متغیرها در تعداد محدودی از عامل‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. این روش به بررسی همبستگی درونی تعداد زیادی از متغیرها می‌پردازد و در نهایت آنها را در قالب عامل‌های محدودی تبیین می‌کند. به منظور تشخیص عامل‌هایی که احتمالاً زیربنای متغیرهای یاد شده هستند و همچنین تعیین ساختار ساده آن، روش چرخش واریماکس مورد استفاده قرار گرفت. مقدار Suppress absolute Values در این تحلیل عاملی ۰/۵ در نظر گرفته شد. مقدار KMO، ۰/۸۰۹ و مقدار آزمون بارتلت ۴۶۲۰/۸۷ به دست آمد که در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار بود و حاکی از مناسب بودن همبستگی متغیرهای وارد شده و مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی در حد بسیار خوبی بود. به منظور دسته‌بندی متغیرها از معیار مقدار پیشین استفاده گردید و عامل‌هایی مدنظر قرار گرفت که مقدار ویژه آنها از یک بزرگ‌تر بود. نتایج این تحلیل عاملی در جدول (۶) ارائه شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود، تبیین کل واریانس توسط ۵ عامل استخراج شده از گویه‌های مورد بررسی، ۶۴/۸۸ درصد است.

جدول ۶. تحلیل عاملی موانع کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی ایران از دیدگاه دانشجویان

عاملها	نام عامل	مشغرها (گویه‌ها)	بار عاملی	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده	درصد واریانس تجمعی
۱	موانع آموزشی	مواد آموزشی و محتوای درسی به‌روز نمی‌شود	-/۶۳۸	۷/۶۰۱	۱۹/۹۲۵	۱۹/۹۲۵
		بیش از حد بر دروس نظری تأکید می‌گردد	-/۵۸۱			
		مطالب آموزشی ارتباط سیستماتیک و هدفمندی با هم ندارند	-/۷۳۳			
		دانشجویان مشارکت چندانی در کلاس درس ندارند	-/۷۶۷			
		از روش‌های مشارکتی، تیمی و گروهی در تدریس استفاده کمی می‌شود	-/۸۰۴			
		در تدریس محتوای آموزشی از روش‌های سنتی استفاده می‌شود	-/۶۰۲			
		در دانشگاه مهارت‌های اولیه و مورد نیاز برای شروع کار به دانشجویان ارائه نمی‌گردد	-/۴۲۵			
		محتوای دروس بیشتر توسط دانشجویان حفظ می‌شود و درک عمیقی از آن وجود ندارد	-/۵۵۲			
		دانشجویان از ماهیت رشته‌های کشاورزی و شرایط کاری آینده آگاهی ندارند	-/۸۳۱			
		دانشجویان از شرایط تولید محصول کشاورزی و در دانشگاه هم این آگاهی را کسب نمی‌کنند	-/۵۷۷			
۲	موانع فردی	دانشجویان قبلاً کار کشاورزی انجام نداده و با محیط روستایی آشنایی ندارند	-/۴۳۵	۶/۱۳۵	۱۷/۴۹۲	۳۳/۳۱۷
		دانشجویان به دلیل ترس از دست دادن سرمایه شخصی معمولاً سراغ کارآفرینی نمی‌روند	-/۶۳۷			
		دانشجویان به خاطر ترس از موانع اداری سراغ کارآفرینی نمی‌روند	-/۶۷۱			
		دانشجویان به خاطر نداشتن مهارت و تجربه مناسب و کافی سراغ کارآفرینی نمی‌روند	-/۴۱۶			
		دانشجویان به خاطر نداشتن مهارت و تجربه مناسب و کافی سراغ کارآفرینی نمی‌روند	-/۷۷۳			
		قوانین حمایتی مناسب و کافی برای پشتیبانی از دانشجویان کارآفرین وجود ندارد	-/۷۵۲			
		دستیابی به منابع مالی برای سرمایه‌گذاری بسیار مشکل است	-/۴۹۱			
		حمایت مالی کافی برای شرکتهای جدید و در حال رشد وجود ندارد	-/۷۷۵			
		مدیریت در تصمیم‌گیری‌ها محافظه‌کار است	-/۵۹۵			
		هتجارهای مختلف اجتماعی و فرهنگی در دانشگاه از کارآفرینی حمایت نمی‌کند	-/۷۱۹			
۳	موانع حمایتی - قانونی	امکانات کافی برای ارائه مقولات عملی و کاربردی به دانشجویان وجود ندارد	-/۶۱۳	۵/۰۱۵	۱۵/۸۶۱	۵۳/۱۷۸
		دانشگاه برای فراهم نمودن مقدمات خوداشتغالی دانشجویان با محدودیت منابع مالی مواجه است	-/۶۷۹			
		برای معرفی ایده و شروع کار جدید دسترسی کافی به منابع لازم وجود ندارد	-/۵۱۸			
		مواد آموزشی و محتوای درسی هیچ ربطی با نیازهای جامعه و بازار کار ندارد	-/۶۱۱			
		برنامه‌ریزی آموزشی و درسی متناسب با بخش کشاورزی نیست	-/۶۵۱			
۴	موانع تسهیلاتی	برنامه‌ریزی آموزشی و درسی هماهنگ و متناسب با تغییرات جهانی نیست	-/۴۶۱	۳/۲۶۵	۵/۹۱۱	۵۹/۰۸۹
		دانشگاه با سازمان‌های اجرایی زیربنا ارتباطی ندارد	-/۶۰۹			
۵	موانع ارتباطی			۲/۱۱۴	۵/۷۹۱	۶۴/۸۸

ملاحظه می‌شود که از ۲۸ گویه مورد بررسی، ۷ گویه در عامل اول قرار گرفتند که همگی مربوط به موانع و مشکلاتی بودند که به امور آموزشی و برنامه‌ریزی مربوط می‌شدند. بنابراین، عامل اول را می‌توان تحت عنوان "موانع آموزشی" نام نهاد که ۱۹/۹۲۵ درصد از واریانس کل را تبیین کرد. متغیرهای عامل دوم که تحت عنوان "موانع فردی - شخصیتی" نام‌گذاری شد، حدود ۱۷/۳۹۲ درصد از واریانس کل را تبیین کردند. تمامی متغیرهایی که در این عامل قرار گرفتند مربوط به موانعی هستند که مرتبط با ویژگی‌های فردی و شخصیتی دانشجویان می‌شدند. در ادامه، ۷ متغیر در عامل "موانع حمایتی - قانونی" قرار گرفتند، که همگی اشاره به موانع و محدودیت‌های حمایتی و قانونی داشتند که دانشکده‌های کشاورزی ایران در مسیر کارآفرین شدن با آنها مواجه بودند. متغیرهایی که در این عامل قرار گرفتند، ۱۵/۸۶۱ درصد از واریانس کل را تبیین نمودند.

گروه چهارم از مجموعه متغیرهای مورد بررسی، با تبیین ۵/۹۱۱ درصد از واریانس کل، با اشاره به موانع و مشکلاتی که دانشجویان در دریافت امکانات و تسهیلات مورد نیاز برای کارآفرینی، در دانشکده‌های کشاورزی ایران با آنها مواجه‌اند، تحت عنوان "موانع تسهیلاتی" نام‌گذاری شدند. در نهایت ۴ گویه در عامل پنجم قرار گرفتند که همگی مربوط به موانعی بود که به علت عدم ارتباط با جامعه، بازار، بخش کشاورزی و محیط پیرامون دانشکده‌های کشاورزی در مسیر کارآفرین شدن دانشکده‌های کشاورزی قرار دارد. این موانع تحت عنوان "موانع ارتباطی" نام‌گذاری گردید که در کل ۵/۷۹۱ درصد از واریانس کل را تبیین نمود.



نمودار ۱. مدل نهایی تحقیق: موانع کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی ایران

بحث و نتیجه‌گیری

در عصر حاضر، زمینه برای توسعه نوآوری و خلاقیت و تلفیق کارآفرینی در نظام دانشگاهی فراهم شده و تجاری کردن دانش، استفاده از نتایج پژوهش‌های دانشگاهی و نوآوری در گسترش مرزهای دانش بشری، به امری لازم و ضروری تبدیل شده است. این در حالی است که وجود برخی عوامل در مسیر تجاری‌سازی دانش در دانشگاه‌ها، مانع ایجاد کرده، که شناسایی و رفع آنها برای ثمربخشی سرمایه‌گذاری‌ها و اقدامات انجام‌شده به منظور توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها بسیار مهم است. در راستای تحقق این مهم، پژوهش حاضر، برای شناسایی موانع کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی ایران به انجام رسید تا روشن‌کننده برخی از مهم‌ترین مشکلات کارآفرینی در چنین محیط‌هایی باشد. همان‌گونه که در یافته‌های پژوهش به آن اشاره گردید، تنها ۶ درصد از دانشجویان پاسخگو در دانشکده‌های کشاورزی، در کار مرتبط با رشته تحصیلی مشغول به کار بودند. این امر بیانگر آن است که دانشجویان کشاورزی در زمینه اشتغال و کارآفرینی در رشته خود موفق نیستند، یا به عبارت بهتر دانشکده‌های کشاورزی ایران در ایجاد روحیه کارآفرینی در دانشجویان موفق نبوده‌اند و باید تدابیر اساسی برای فراهم کردن شرایط برای تشویق و ترغیب دانشجویان به کارآفرینی و شروع کسب و کار صورت گیرد. در این راستا پیشنهاد می‌شود تا دانشکده‌های کشاورزی با برگزاری جلسات و سمینارهایی به معرفی زمینه‌هایی که دانشجویان می‌توانند در آنها به ایجاد کسب و کار بپردازند اقدام نماید و با معرفی افرادی که در این زمینه‌ها موفق هستند، آمادگی لازم برای آغاز به کارآفرینی را در دانشجویان ایجاد کند. در رابطه با اولویت موانع و مشکلات کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی ایران، دانشجویان با گویه "دانشجویان به خاطر ترس از دست دادن سرمایه شخصی سراغ کارآفرینی نمی‌روند"، بیشترین توافق را داشتند. این یافته منطبق بر یافته‌های پژوهش Puri and Robinson, (2004) بود و بیانگر این که مسیر کارآفرینی و سرمایه‌گذاری به اندازه کافی برای دانشجویان کشاورزی روشن نیست و به همین دلیل دانشجویان، ریسک‌پذیری لازم برای سرمایه‌گذاری در ایجاد کسب و کارهای کارآفرینانه ندارند. "قوانین حمایتی مناسب و کافی برای پشتیبانی از دانشجویان کارآفرین وجود ندارد"، در اولویت دوم اولویت‌بندی موانع از دیدگاه دانشجویان قرار گرفت که منطبق است بر نتایج پژوهش‌های (Djankov, et al; 2002) اولویت دادن به این گویه در ادامه گویه اول شاید تأیید عدم وجود حمایت‌های قانونی و پشتیبانی‌های لازم برای شروع کسب و کار از دیدگاه دانشجویان باشد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود تا دانشکده‌های کشاورزی با تدوین قوانین حمایتی و شفاف‌سازی قوانین برای دانشجویان ضمن قرار دادن مشوق‌هایی برای ترغیب آنان به کارآفرینی، در جهت کمرنگ نمودن و رفع این موانع

گام بردارند. گویه "بیش از حد بر دروس نظری و تئوریک تأکید می‌گردد"، به عنوان اولویت سوم موانع کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی ایران قرار گرفت که با یافته‌های حیدری‌زاده (۱۳۸۶) منطبق بود. بر این اساس پیشنهاد می‌گردد با توجه به طبیعت عمل‌گرایانه و کاربردی دروس کشاورزی، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران در دانشکده‌های کشاورزی به تدوین برنامه‌هایی بپردازند که در آن ترکیب متعادلی از دروس کشاورزی با جهت‌گیری تئوریک و عملیاتی لحاظ شود تا دانشجویان در محیط دانشکده‌های کشاورزی تجربه اولیه لازم برای آشنایی و شروع کسب و کار کارآفرینانه را کسب نمایند. یافته‌های این بخش منطبق بر یافته‌های عزیزی (۱۳۸۳)، جعفرزاده (۱۳۸۳) و اسکندری (۱۳۸۴) بود. در نهایت برای تعیین، تحلیل و خلاصه‌سازی موانع و مشکلات کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی ایران از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شد. با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی، ۵ عامل زیربنایی تحت عنوان "موانع آموزشی"، "موانع فردی - شخصیتی"، "موانع حمایتی - قانونی"، "موانع تسهیلاتی" و "موانع ارتباطی" به عنوان موانع کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی ایران استخراج گردیدند که در کل بیانگر ۶۴/۸۸ درصد از واریانس کل بودند. بر اساس نتایج به‌دست آمده پیشنهاد می‌شود که محتوا و روش‌های آموزشی در دانشکده‌های کشاورزی با اصول کارآفرینانه تنظیم و تدریس گردد، به افراد و خصوصیات فردی و شخصیتی آنان توجه لازم مبذول گردد و دانشکده‌های کشاورزی تلاش کنند تا روحیه کارآفرینی را در دانشجویان ایجاد نمایند، قوانین و مقررات حمایتی از دانشجویان کارآفرین در دستور کار دانشکده قرار گیرد، تسهیلات مورد نیاز اعم از مدیریتی، مالی، مشاوره‌ای، حمایتی، قانونی و ... تا حد امکان در دانشکده فراهم شود که البته توجه به ایجاد و گسترش پارک‌های علم و فناوری و ایجاد مراکز رشد در دانشکده‌های کشاورزی می‌تواند از جمله این اقدامات باشد. در نهایت یکی از مهم‌ترین موانع کارآفرینی یعنی عدم ارتباط با محیط پیرامون، جامعه، بخش کشاورزی، صنعت و بخش اجرایی نیز باید مرتفع گردد که این امر نیز با برنامه‌ریزی برای زمینه‌سازی جهت آموزش عملی و عینی دروس در محیط واقعی کشاورزی، قرار دادن واحدهای کارآموزی در دروس مختلف و با مدت زمان طولانی‌تر، برگزاری گردش‌های علمی در محیط روستایی، دعوت از فعالان بخش صنعت و کشاورزی برای تدریس بخشی از دروس کشاورزی و بیان تجربیات عینی و دیدگاه‌هایشان و به طور کلی ایجاد یک محیط فعال و پویا برای برقراری ارتباط با محیط پیرامون، می‌تواند در آماده‌سازی دانشجویان رشته‌های کشاورزی جهت فعالیت در زمینه کارآفرینی و ایجاد کسب و کارهای کوچک مؤثر واقع گردد. یافته‌های این بخش منطبق بر نتایج پژوهش‌های حسینی و دیگران (۱۳۸۹) بود که موانع

کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی را در ۵ عامل پشتیبانی، آموزشی، برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و انسانی خلاصه می‌نمود، در این پژوهش نیز از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شده بود.

با توجه به راهبرد عملی و کاربردی این پژوهش، این که نتایج آن از کل دانشکده‌های کشاورزی ایران، با شرایط مختلف جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جمع‌آوری گردیده و قشر دانشجویان پاسخگوی پرسشنامه تدوین شده بودند، که خود در بطن مشکلات قرار دارند و با این موانع دست به گریبان هستند؛ توجه و بکارگیری یافته‌های این تحقیق می‌تواند راهگشای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در سطوح مختلف مدیریتی برای رفع موانع و مشکلات کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی ایران باشد. در این راستا پیشنهادهایی برای ادامه کار پژوهشی در این زمینه تخصصی ارائه می‌گردد که عبارتند از: ۱- تحقیق در مورد ریشه‌یابی و علل وجود موانع کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی، ۲- شناسایی موانع دیگری که ممکن است بر کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی اثرگذار باشند مثل نقشی که محیط پیرامون می‌تواند در ایجاد فرهنگ کارآفرینانه در دانشکده‌های کشاورزی داشته باشد، ۳- تحقیق در مورد راهکارهای رفع موانع کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی ۴- انجام تحقیق به صورت کیفی و مطالعه موانع کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی به صورت مطالعه موردی.

منابع

۱. اسکندری، فرزاد (۱۳۸۴)، بررسی راهکارهای توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی ایران، رساله دکتری رشته ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران.
۲. جعفرزاده، مرتضی (۱۳۸۳)، طراحی و تبیین الگویی برای پیش‌بینی کارآفرینی دانش‌آموختگان (مورد دانشگاه تهران)، رساله دکتری رشته مدیریت، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.
۳. حسینی، سیدمحمود (۱۳۸۴)، جزوه درسی آموزش کشاورزی؛ پردیس کشاورزی دانشگاه تهران.
۴. حسینی، سید محمود و عزیزی، بهارک (۱۳۸۴)، "بررسی عوامل مؤثر بر توسعه روحیه و مهارت‌های کارآفرینی در میان دانشجویان سال آخر دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران". مجله علوم کشاورزی ایران. سال ۲-۳۸، شماره ۲، صص ۲۵۱-۲۴۱.

۵. حسینی، سید محمود؛ فرج‌الله حسینی، سید جمال و سلیمان پور، محمدرضا (۱۳۸۹)، "شناسایی و تحلیل موانع کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی ار دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد استان تهران". مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۲-۴۱، شماره ۳، ۱۳۸۹ (۳۵۹-۳۶۸).
۶. حیدری‌زاده، سعید (۱۳۸۴)، "وضعیت اشتغال اعضای سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان کرمان در راستای بازنگری برنامه‌ریزی آموزشی"، فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، شماره ۴، ۱۳۸۴.
۷. دینانی، محمد و فولادی، محمدحسن (۱۳۸۴)، "بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی، مطالعه موردی دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید باهنر کرمان". مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه. شماره ۳۴۱.
۸. زمانی‌پور، اسدالله (۱۳۷۴)، "مدرسه و مزرعه"، مجموعه مقالات هفتمین سمینار علمی ترویج کشاورزی کشور، تبریز.
۹. شاه‌ولی، منصور و یوسفی‌نژاد، سعید (۱۳۷۹)، رویکردهای ترویج، آموزش و تحقیقات در قرن بیست‌ویکم، چاپ اول، انتشارات مؤسسه توسعه روستایی، تهران.
۱۰. عزیزی، بهارک (۱۳۸۴)، بررسی عوامل مؤثر در توسعه روحیه و مهارت‌های کارآفرینی در میان دانشجویان دانشکده کشاورزی کرج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
۱۱. کردنائیچ، اسدالله (۱۳۸۴)، "دانشگاه کارآفرین و نقش آن در ایجاد اشتغال". دومین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور، اردیبهشت ۱۳۸۴، تهران.
۱۲. کلانتری، خلیل (۱۳۸۵)، پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی، چاپ دوم، تهران، نشر شریف.
۱۳. محمدزاده نصرآبادی، مهنار، پزشکی‌راد، غلامرضا و چیذری، محمد (۱۳۸۳)، "وضعیت اشتغال، توانمندی شغلی و موفقیت شغلی دانش‌آموختگان آموزش‌های علمی-کاربردی در بخش کشاورزی". فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۲۹، بهار ۱۳۸۳.

۱۴. ملک‌پور، علی (۱۳۸۴)، "زمینه‌ها و موانع فرهنگی گسترش کارآفرینی در ایران". مجموعه مقالات همایش ملی کارآفرینی. روده‌ن. اسفند ۱۳۸۴. ص: ۴۴۷-۴۲۷.
۱۵. یعقوبی، جعفر و سلمان‌زاده، سیروس (۱۳۸۴)، "بررسی مشکلات آموزش عالی کشاورزی در ایران و راهکارهای بهبود آن از دیدگاه دانشجویان سال آخر کشاورزی". ارائه شده به همایش علمی آموزش کشاورزی کشور، آبان‌ماه ۱۳۸۴، تهران.
16. Decter, M., Bennett, D. and Leseure, M., (2007). "University to business technology transfer_ UK and USA comparisons"; *Technovation*; Vol.27: pp 145-55.
17. Djankov, Simeon, Rafael La Porta, Florencio Lopez-de-Silanes, and Andrei Shleifer, (2002). "The Regulation of Entry", *Quarterly Journal of Economics*, Vol. 67, Iss. 1 (February), pp. 1-37.
18. Etzkowitz, H., (2003). "Research groups as 'quasi-firms': the invention of the entrepreneurial university"; *Research Policy*; Vol.32: pp 109-21.
19. Etzkowitz, H., Webster, A., Gebhardt, C., Regina, B. and Terra, C., (2000). "The future of the university and the university of the future: evolution of ivory tower to entrepreneurial paradigm"; *Research Policy*; Vol.29: pp 313-30.
20. Maxwell S., (2003). Development research in europe: towards an (all)-star alliance? *The European Journal of Development Research* 15(1): 194-198.
21. Ndonzuau, F. N, Pirnay, F. and Surlemont, B., (2002). "A stage model of academic spin-off creation"; *Technovation*; Vol.22: pp 281-89.
22. Puri, Manju and David T. Robinson, (2004). "Optimism, Work/Life Choices, and Entrepreneurship," paper presented at the Worldbank-Stern-NYU Entrepreneurship workshop, World Bank, Jan 10, 2005.
23. Rasmussen, E., Moen, Ø. and Gulbrandsen, M., (2006). "Initiatives to promote commercialization of university knowledge"; *Technovation*; Vol.26: pp 518-33.
24. Siegel, D. S., Waldman, D. A., Atwater, L.E., Link, A. N., (2003). "Commercial knowledge transfers from universities to firms: improving the effectiveness of university- industry collaboration"; *Journal of HighTechnology Management Research*; Vol.14: pp111-33.

25. Spilling, O.R., (2004). “Commercialisation of knowledge–conceptual framework”; 13th NordicConference on Small Business (NCSB) Research.
26. Toole, A. and Czarnitzki, D., (2007). “Biomedical academic entrepreneurship through the SBIR program”; Journal of Economic Behavior & Organization; Vol.63: pp 716–38.
27. Wright, M., Clarysse, B., Mustar P. and Lockett A., (2007). “Academic Entrepreneurship in Europe”; Edward Elgar, Cheltenham and Northampton; 172-3.